



وضعیت سیاسی لبنان، پایگاه اجتماعی حزب الله،
آیندهی جنبش مردم تونس
در گفت‌وگوی وبلاگ پروسه با احمد درکی
از اعضای ارشد حزب کمونیست لبنان

به کوشش داوود مهدلو

پروسه: به طور کلی وضعیت بحرانی‌ای که الان در دولت لبنان پیش آمده را توضیح دهید؟

احمد درکی: در حال حاضر ما در انتظار دومین گزارش سازمان تریبون بین‌المللی هستیم. همان‌طور که می‌دانید برطبق اظهارات اسرائیل و جراید، در نتیجه‌ی این گزارش، برخی از اعضای حزب الله لبنان و یا اعضای از سپاه پاسداران ایران متهم خواهند گردید و بدین معناست که: در این صورت حزب الله با کشته شدن حریری و همچنین ارتباط آن با سپاه پاسداران ایران، هم حزب الله و هم سپاه پاسداران درگیر این مسئله خواهند گردید و عکس‌العمل این موضوع به دو دلیل بسیار خطرناک خواهد بود:

1- مسئله‌ی جنگ بین شیعه و سنی در تاریخ زنده خواهد شد. یعنی شیعیان رئیس جمهور (نخست وزیر) سنی لبنان را به قتل رسانده اند. حال اگر شما حزب الله را به جرم کشتن حریری متهم کنید، این واقعه‌ی تاریخی زنده خواهد شد و این مسئله به امپریالیسم کمک خواهد کرد تا طرح‌اش را در خاورمیانه به ورطه‌ی اجرا گذارد. یعنی جنگ بین شیعه و سنی صورت خواهد گرفت یا تجدید

خواهد شد که می‌تواند منجر به انفجار خاورمیانه گردد. شیعه در عربستان سعودی و سنی در کشورهای بحرین، یمن، اردن، سوریه و لبنان؛ به عبارتی تمام منطقه با این جنگ درگیر خواهد گردید. اساساً این اولین عنصر بود. عنصر دوم:

2- اگر سازمان تریبون بین‌المللی، حزب‌الله و سپاه را متهم کند این دو حزب در جهان به عنوان تروریست شناخته خواهند شد. سازمان تریبون بین‌المللی در ماده‌ی هفتم جدول سازمان ملل قرار دارد و اگر بخواهید این را با توجه به ماده‌ی ششم این جدول که برپایه‌ی صلح استوار است مورد بررسی قرار دهید به این نتیجه خواهید رسید که بر اساس ماده‌ی هفتم، نیروهای نظامی حق مداخله خواهند داشت. و نتیجتاً سازمان ملل حق دخالت از راه‌های نظامی را خواهد داشت اگر حزب‌الله در لبنان و سپاه در ایران از ارثه‌ی متهمین (اعضاء) سرباز زنند.

پروسه: شما پایگاه اجتماعی حزب‌الله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

احمد درکی: حزب‌الله یک نیروی فرقه‌ای مرتبط با ایران بوده و لبنان نیز یک کشور فرقه‌ای است. براین اساس، حزب‌الله قلمرو خود را قلمرو شیعه می‌داند و خود را به عنوان یک مارک تجاری با نام "مقاومت استان صهیونیت" معرفی می‌کند. بنابراین، تمامی نیروهای دیگر را جهت خالص کردن قلمرو فرقه‌ای خود، بیرون می‌رانند. و این برای او مشکل بزرگی به‌وجود آورده زیرا وقتی که شما با عنوان حزب مقاومت، برچسب تبلیغاتی می‌شوید، مردم، دیگر از شما حمایت نخواهند کرد چون مبارزه‌ی شما دستخوش فرقه‌گرایی است. از طرف دیگر، او سهم خود را از قدرت مطالبه می‌کند. و این بدین معنا است که او در صدد تغییرساختار سیستم لبنان نبوده و به فکر اتخاذ سهم خود را از قدرت است. او می‌خواهد در قدرت نظام سهیم شود.

به همین دلیل است که ما (حزب کمونیست لبنان) می‌گوئیم که حزب‌الله نیز همانند دیگر گروه‌های فرقه‌گرا است. آن‌ها در تلاش تغییر سیستم حکومتی نیستند بلکه خواستار بقای حکومت به همان صورتی که هست بوده و با شعار استقامت، می‌خواهند که جای پای خود را در سیستم محکم کنند. از این رو، این مسئله برای حزب‌الله اشتباه مرگ‌باری خواهد بود. زمانی که حزب‌الله این بازی را شروع می‌کند، بخشی از مردم علیه او می‌شوند. آن‌ها (قشر مردم) می‌گویند: "چرا فقط حزب‌الله می‌جنگد؟ ما هم می‌خواهیم در کنار حزب‌الله بجنگیم و این فرصت را به ما هم بدهید

تا این مبارزه به یک مقاومت ملی تبدیل گردد نه به عنوان یک مقاومت فرقه‌ای. زمانی که حزب‌الله از قبول کردن این پیشنهاد سرباز می‌زند ما دوباره می‌گوئیم: ما در پشت حزب‌الله هستیم، یعنی وقتی که شما در جلومشغول مبارزه هستید، دشمنی هم دارید که ممکن است از عقب به شما حمله کند چون بخشی از مردم با شما نیستند. و حالا چیزی که ما منتظر هستیم تا در لبنان اتفاق بیفتد این است: حزب‌الله با رل مهمی که در خالص کردن نیروهای فرقه‌ای خود به عنوان شیعه بازی می‌کند، از آن طرف هم نیروهای سنی جهت خالص کردن قلمرو خود عکس این رل را بازی می‌کنند.

از این طرف اگر نتیجه‌ی گزارش سازمان تریبون بین‌المللی حزب‌الله را متهم اعلام کند، این نتیجه همانند یک کارد، برشی ایجاد خواهد کرد که منجر به یک جنگ داخلی کوچک بین فرقه‌های شیعه و سنی خواهد گردید. و اگر این اتفاق بیافتد، اسرائیل و ایالت صهیونیست حمله‌ی دیگری را به لبنان ترتیب خواهند داد. چرا؟ زیرا در سال 2006 وقتی که ایالت صهیونیست به لبنان حمله کرد تا از شر حزب‌الله خلاص شود، با شکست مواجه شد. چرا شکست خورد؟ به دو دلیل: وقتی که حمله را شروع کرد، بیشتر مردم در منطقه‌ای بودند که حزب‌الله هم در آنجا بود و آن‌ها موفق شدند به همراه مردم به مکان‌های دیگر فرار کنند و یا مخفی شوند. به علاوه، در آن زمان، حزب‌الله در مقابل حمله‌ی صهیونیست‌ها، مورد حمایت بسیاری از احزاب دیگر بود. به عنوان مثال، اتفاقی که در "بعلبک" رخ داد یعنی زمانی که نیروهای صهیونیست قصد فرود در دره‌ی "ببقع" را داشتند. اعضاء اصلی حزب‌الله موفق به فرار شدند.

حزب کمونیست در آنجا جنگید و نیروهای اسرائیل را متوقف کرد از این روست که ما (حزب کمونیست لبنان) می‌گوئیم که این مبارزه باید یک مبارزه‌ی ملی باشد. اما حالا، طرح، کاملاً متفاوت است. همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم؛ گزارش سازمان تریبون بین‌المللی منجر به یک جنگ کوچک داخلی بین فرقه شیعه و سنی خواهد گردید و در این زمان، با حمله‌ی مجدد اسرائیل، حزب‌الله دیگر قادر نخواهد بود که همانند جنگ قبلی فرار کرده و یا مخفی گردد و این، سبب خواهد شد که حزب‌الله در حلقه‌ی محاصره‌ی تنگی قرار بگیرد زیرا بر طبق طرح و نقشه‌ی امریکا، به هنگام حمله‌ی اسرائیل، در پی قتل عام بسیاری از مردم غیرنظامی، آراء مردم علیه حزب‌الله تغییر خواهد کرد (به دلیل اینکه باعث این کشتار است) و بدین نحو، از شر حزب‌الله خلاص خواهید گردید. خلاص شدن از شر حزب‌الله به این معنا خواهد بود که با این کار،

این حلقه‌ی محاصره به دور سوریه خواهد پیچید و نتیجتاً ایران، دیگر قادر به مداخله به لبنان نخواهد بود. (دست ایران از لبنان کوتاه خواهد شد.) زیرا ایران از طریق حوزه‌ی جغرافیایی (سوریه) قادر است به حزب‌الله کمک کرده و او را در مقابل اسرائیل تقویت کند.

پروسه: پس به این ترتیب به نظر شما آیا حزب‌الله کاملاً تبعیت و وابستگی به جمهوری اسلامی دارد و یا اختلافاتی هم دارند؟

احمد درکی: بله، کاملاً مرتبط است.

پروسه: شما در سخنرانی‌تان در فروم خلق‌ها در ترکیه اشاره کردید به دو گروه چهارده مارس و هشت مارس، در صورت امکان توضیحی در مورد آن‌ها و وضعیت کنونی‌شان بدهید؟

احمد درکی: جناح چهارده مارس یک بلوک طرفدار آمریکا است که متشکل از سنی‌ها و همراهان نخست وزیر بوده و تعدادی از نیروهای جناح راست که نیروهای مسیحی هستند. جناح هشت مارس هم متشکل از حزب‌الله و همچنین نیروهایی به سرکردگی "میشل عون" می‌شوند. به همین دلیل است که ما آنها را به دو گروه هشت و چهارده مارس دسته بندی می‌کنیم.

پروسه: جناح سومی که شما از آن صحبت کردید (اتحاد چپ عرب) را در صورت امکان بیشتر توضیح دهید. چه مقدماتی را طی کرده و هم اکنون در چه مرحله‌ای است و چه برنامه‌ای برایش دارید؟

احمد درکی: ما گروه یا نیروی سوم را گروه "چپ‌گرا یا چپی" می‌نامیم. چرا؟ چون هر دو حزب هشت و چهارده مارس موقعیت سیاسی خود را همزمان با وجود مشکلات اجتماعی و اقتصادی‌شان در سیستم حکومتی لبنان همان طور که هست حفظ کرده و بخش‌های فرقه‌ای خود را نیز به همان صورتی که هست نگه می‌دارند و با هم به توافق رسیده‌اند که اوضاع را همان‌گونه که هست حفظ کنند. ما به عنوان نیروی حزب کمونیست و چپ‌گرای لبنان می‌گوییم که باید این سیاست (طرح) امپریالیسم متوقف گردیده و یک کشور سکولار دموکراتیک مستقل تحت قانون شهروندی یکسان (همسان) ایجاد گردد زیرا در حال حاضر ما همه شهروندان یکسان نیستیم به دلیل اینکه هرکس متعلق به فرقه‌ی خود است. ما در ابتدا یک "جبهه‌ی چپ" تشکیل دادیم و حالا سعی در تشکیل یک "جبهه‌ی چپ عرب" داریم و در تلاشیم که این جبهه را به "جبهه‌ی چپ بین‌المللی" تبدیل کنیم زیرا در ابتدا ما در مقابل طرح امپریالیسم که سعی دارد جهان را به مناطق

قومی و دینی تقسیم کند، در سطح محلی، سپس در سطح منطقه‌ای و در نهایت در سطح بین‌المللی روبرو هستیم.

پروسه: شما 8 مارس و 14 مارس را دو روی یک سکه دانستید و گفتید که هر دو در واقع یک پروژه را دنبال می‌کنند. این دو در پروژه‌ی امپریالیسم چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

احمد درکی: ما آن را تحت عنوان "یک تلاش طبقاتی" می‌شناسیم. آن یک طبقه‌ی بورژوازی است که سعی بر داشتن سهم بیشتر در طرح ایالات متحده دارد زیرا اگر شما از نیروی مخالف که همان حزب هشت مارس است بپرسید: "طرح‌تان چیست؟" آنها طرحی برای جایگزینی ندارند. برای مثال اگر شما از لبنان بحث می‌کنید، 80٪ از درآمد دولت را مالیات غیرمستقیم و 20٪ آن را مالیات مستقیم تشکیل می‌دهد و این دقیقاً مشهود است که مالیات غیرمستقیم در مقابل دستمزدهای پایین، یک امر کاملاً ناعادلانه‌ای است چون وقتی که شما بنزین و یا هر چیز دیگری می‌خرید و آن را پرداخت می‌کنید به نحوی که وقتی که حقوق من پانصد دلار است دقیقاً مالیاتی را پرداخت می‌کنم که گویی درآمد ده‌هزار دلار است. وقتی که ما از آن‌ها می‌خواهیم که این قانون را اصلاح کنند، و یا در مقابل این قوانین مالیاتی اعتراض می‌کنیم، هر دوی آن‌ها در مقابل‌مان و مخالف ما هستند. زمانی که ما از یک "ایالت سکولار دموکراتیک" سخن به‌میان می‌آوریم، هر دو آن‌ها ساز مخالف می‌زنند به همین دلیل است که این بخش یا طبقه‌ی بورژوا به همان نکته اشاره می‌کند. این درست است که لبنان به بخش‌های فرقه‌ای تقسیم گردیده اما در حقیقت، آن، فرقه‌ای نبوده بلکه یک طبقه‌ی بورژوا است که در هر منطقه‌ی فرقه‌ای، قدرت را تحت کنترل داشته و این را در مناطق فرقه‌ای پنهان می‌کنند از این رو است که من می‌گویم که این طبقه‌ی بورژوا است که سهم بیشتری از قدرت و در عین حال، پروژه‌ی امپریالیسم را می‌خواهد از این رو ما می‌گوئیم: "یک هدف و یا رهروان یک راه با دو چهره‌ی متفاوت."

پروسه: تحولاتی که در تونس اتفاق افتاده چه بازتابی در بین مردم لبنان داشته و فکر می‌کنید که آینده‌ی تونس به کجا می‌انجامد؟

احمد درکی: اتفاقی که در تونس افتاد بسیار بحرانی و خطرناک است زیرا ممکن است به تغییر تعادل منجر شود. آن یک جنبش خیابانی و مطالباتی است و تونس در حال حاضر کاملاً تحت جنبش اسلام‌گراها و یا دیگر جنبش‌ها کنترل نمی‌شود از این رو ما به مردم تونس چپ‌گرا می‌گوئیم. شما ابتدا جنبش‌های خیابانی را رهبری

کرده و سپس کل سیستم را تغییر می‌دهید. من در اینجا از قدرتی صحبت به میان می‌آورم که برای تغییر نقاب رلی بازی خواهد کرد و همان افراد، اینک با اسامی متفاوت وارد میدان خواهند گردید. و از شما برای وارد شدن به این بازی نیز دعوت به عمل خواهد آمد و با حمایت ارتشی که خود را دولت خوبی وانمود می‌کند و به مردم تیراندازی نمی‌کند فقط به آن‌ها بله می‌گوید تا مجدداً کنترل قدرت را به دست گرفته و ارتباطش را نیز با آمریکا به صورتی که هست حفظ کند. در اینجا است که ما از نیروهای چپی و خیابانی به منظور تغییر کامل سیستم سیاسی حمایت می‌کنیم برای ایجاد یک تونس دموکراتیک توسط استقرار یک سیستم جدید اقتصادی، سیاسی.

پروسه: حزب کمونیست کارگران تونس در بیانیه‌ای که داده گفته که یک هیئت تشکیل بشود و با دولت وارد گفت و گو شود که انتقال قدرت به صورت آرامی صورت بگیرد، شما این موضع حزب کمونیست کارگران تونس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

احمد درکی: بله، از آن جهت است که آن‌ها نام "دولت ملی" به آن داده‌اند زیرا همانطور که می‌دانید بیشتر احزاب کشور تونس قانونی نیستند بنابراین دولت ملی باید تمامی احزاب را حتا احزاب فعال در زمان بن علی را نیز در این فعالیت شرکت دهد. زمانی که این دولت ملی تشکیل شود، به دلیل اینکه آن دولت، نماینده‌ی تمام ملت خواهد بود و کشور را به سوی یک جو دموکراتیک صلح‌آمیز پیش خواهد برد. اما اتفاقی که افتاد قدرت وقت، این دولت را بدون دخالت احزاب غیرقانونی تشکیل داد از این رو است که این مناقشات تا تشکیل یک دولت ملی واقعی ادامه خواهد داشت.

پروسه: خطر نیروهای تندروی اسلامی را چقدر برای تونس جدی می‌دانید؟

احمد درکی: مسئله، خطرناک بودن یا نبودن آن نیست، زیرا موضوع بحث ما صحنه‌ی تغییر و دگرگونی است. یک دولت ملی که برای تغییر در صحنه آماده است. زمانی که ما می‌گوییم: "دموکراتیک"، اجازه بدهیم که این واژه، معنای واقعی دموکراتیک را داشته باشد. به هیچ عنوان، مسئله‌ی خطر اسلام‌گراها یا چپی‌ها و یا هر چیز دیگری در بین نیست. ما از یک سیستم سکولار دموکراتیک سخن به میان می‌آوریم که پیروز می‌شود پس اجازه بدهید پیروز شود.

پروسه: شما این گفته‌ی مقامات ایران را قبول دارید که می‌گویند مردم تونس حکومت اسلامی می‌خواهند؟

احمد درکی: من فکر می‌کنم که نادرست است. اگر شما

درمورد جامعه‌ی تونس مطالعه کرده باشید، در اینجا باید
بین دو موضوع تفاوت قائل شویم: اسلام به عنوان یک
عقیده و اسلام به عنوان یک نیروی سیاسی. مردم تونس
مسلمان هستند اما این به این معنا نیست که من باید برای
نشان دادن هویت‌م حجاب بگذارم و یا به دیگران اجازه‌ی
داخل شدن ندهم و در نتیجه با اسلام سیاسی اداره‌ی امور
را در دست بگیرم به همین دلیل است که فکر می‌کنم این
یک دیدگاه اشتباه است زیرا جامعه‌ی تونس هنوز اسلامی
نشده.